

تحلیل قلمروی اشخاص دارای حق اقامه دعوی در مراجع قضایی در قانون حمایت از مالکیت صنعتی

علی سیدین^۱، مهدی کارچانی^۲

چکیده

شناسایی حقوق مالکیت صنعتی به معنای محروم نمودن جامعه از استفاده آزاد از دانش یا خلاقیت موضوع این حقوق بوده و برقراری این حقوق، به صورت بالقوه و بالفعل منافع سایر اشخاص جامعه از جمله رقبای مالکان و مصرف‌کنندگان را متأثر می‌سازد. از این رو، قانون‌گذاران هم‌راستا با مقررات عام دادرسی، نحوه اعمال حقوق مالکیت صنعتی علیه اشخاص ثالث و نحوه نظارت جامعه بر اعتبار این حقوق را با توجه به نیازهای توسعه‌ای، تولید کننده یا مصرف‌کننده بودن فناوری و مانند آن مورد توجه قرار می‌دهند. تعیین اشخاصی که می‌توانند اعتبار حقوق مالکیت صنعتی را به چالش کشند و یا در فرض نقض، این حقوق را علیه ناقضان ادعایی اعمال کنند، صرفاً موضوعی آیینی و مرتبط با دادرسی نیست، بلکه در تحقق اهداف نظام حقوق مالکیت فکری و تعیین قلمرو حقوق مالکان اموال فکری نیز اثرگذار است. مقاله حاضر با روشی تحلیلی توصیفی، رویکرد قانون‌گذار در قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳ را از این حیث مورد بررسی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که این رویکرد نسبت به قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ در مجموع مبهم‌تر بوده و قابل دفاع به نظر نمی‌رسد.

واژگان کلیدی: اختراع، دعوی ابطال، ذی‌نفع، طرح صنعتی، علامت تجاری،

نقض.

۱. کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه شهید بهشتی

a.seyedin@ciwsschool.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
karchanimahdi@gmail.com

درآمد

با توجه به ظهور و پیشرفت سریع فناوری‌های نوین، محافظت بهینه از دانش و خلاقیت به یکی از عناصر اصلی رشد و توسعه پایدار کشورها بدل گردیده است. اعطای گواهی‌نامه ثبت به مصادیق مالکیت صنعتی، نه نقطه پایان بلکه نقطه آغازین قانون‌گذاران برای برقراری تعادل در نظام حقوق مالکیت صنعتی است (De Werra, 2013: 450)؛ نحوه اعمال و ضمانت اجراهای این حقوق و نحوه مواجهه جامعه با گواهی‌نامه‌های ثبت، عناصری هستند که در برقراری این موازنه مد نظر کشورها قرار داشته‌اند.

تصور کنید که یک کشور در حال توسعه که جزو کشورهای عمدتاً واردکننده و مصرف‌کننده اقلام حاوی مالکیت فکری محسوب می‌شود، در شناسایی اشخاص دارای حق طرح دعوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت سخت‌گیری نموده و به علاوه، اقامه دعوی نقض را تنها از سوی مالک حقوق مالکیت صنعتی ممکن بداند؛ در چنین صورتی، احتمال ابقای انحصار حاصل از حقوقی که طبق قانون قابل ثبت نبوده‌اند، افزایش یافته و در فرض عدم تمایل مالکان خارجی، به دلیل عدم توانایی لیسانس‌گیرندگان داخلی در اقامه دعوی نقض، اعمال ناقضانه‌ای که به منافع جامعه و مصرف‌کنندگان لطمه وارد می‌کنند، استمرار خواهد یافت؛ بنابراین، ترسیم گستره اشخاص دارای حق طرح دعوی، در تأمین نیازهای جامعه و برقراری توازن میان حقوق دارندگان مالکیت صنعتی و سایر افراد جامعه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

در نوشتار حاضر، تلاش شده تا با مطالعه ادبیات و رویه قضایی موجود و تحلیل مقررات قانون حمایت از مالکیت صنعتی، در سه بخش، رویکرد قانون‌گذار پیرامون شناسایی اشخاص دارای حق طرح دعوی نقض، ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت و دعاوی ناظر بر رقابت غیر منصفانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در ابتدای امر به نظر می‌رسد به رغم ابداعات و نوآوری‌های قانون، قانون‌گذار نسبت به قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶^۱ در این رابطه، در مجموع پیشرفتی نداشته و حتی در مواردی ضعیف‌تر عمل نموده است. به عنوان

۱. زین پس: قانون ۱۳۸۶

مثال، صرف نظر از این که هیچ ماده‌ای در خصوص حق طرح دعوی نقض اسرار تجاری و مقابله با رقابت غیر منصفانه پیش‌بینی نشده، مقررهای مشابه قسمت اخیر ماده ۶۰ قانون ۱۳۸۶ مبنی بر اعطای حق طرح دعوی نقض به لیسانس‌گیرنده (در فرض عدم توانایی یا تمایل مالک) نیز در قانون حاضر وجود ندارد؛ حال آن‌که وجود چنین مقررهای از سوی سازمان جهانی مالکیت فکری در «پیش‌نویس قانون واپس‌آوردن برای ایران» نیز به طور خاص به ایران پیشنهاد شده بود (WIPO, 1999: 67).

در مقابل تفریطی که در زمان حاکمیت قانون ۱۳۸۶ در دادگاه‌ها برای شناسایی اشخاص ذی‌نفع طرح دعوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت وجود داشت، قانون‌گذار در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، برای درخواست ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و نمونه اشیاء مصرفی قلمرویی وسیع در نظر گرفته و «هر شخص» را دارای حق اقامه چنین دعوایی دانسته است؛ البته ممکن است برخی بر این نظر باشند که چنین امری افراط بوده و پذیرفتنی نیست و چنین رویکردی سبب تحمیل هزینه‌های بی‌دلیل به دستگاه قضایی، سرمایه‌گذاران و نوآرانی خواهد شد (Greene, 2012: 26-27) که ممکن است آماج طرح دعوی متعدد ابطال قرار گیرند؛ در مقابل می‌توان با نگاهی آینده‌نگر و با لحاظ ایران به عنوان کشور واردکننده فناوری، از چنین رویکردی دفاع نمود و آن را ابزار نظارت جامعه و زدودن اعتبار از گواهی‌نامه‌هایی دانست که بدون جهت به ثبت رسیده‌اند.

رویکرد قانون‌گذار در شناسایی خواهان «دعوی نقض» مبهم است، اما در هر تحلیل باید به این موضوع نیز توجه شود که اگرچه توجه به منافع لیسانس‌گیرندگان به عنوان اشخاص دخیل در دعوی ناظر بر مالکیت صنعتی موضوع قرارداد لیسانس، برای ترسیم نظام بایسته حمایت از حقوق مالکیت صنعتی ضروری است، اما افراط در دخیل نمودن این اشخاص در فرایندهای دادرسی نیز پسندیده نیست. هم‌چنین باید توجه داشت که اعطای «حق» مستقل طرح دعوی به لیسانس‌گیرنده غیر انحصاری، حق مالک بر اعطای مجوزهای بهره‌برداری را محدود ساخته و ناقض را بابت اقدام واحد در معرض دعوی متعدد قرار می‌دهد (Liddicoat, 2017: 638-639). از یک سو، اقدامات ناهماهنگ لیسانس‌گیرندگان علیه اشخاص ثالث، منافع مالک را متأثر

ساخته و وضعیت وی را در قبال طرف‌های دعوی متزلزل می‌سازد (BIRPI, 1967: 69)؛ مثلاً شاید مالک با توجه به آگاهی از ماهیت موضوع گواهی‌نامه، احتمال ابطال آن را بالا تشخیص داده و به جای اقامه دعوی نقض مایل به مذاکره و سازش با ناقضان ادعایی یا حتی عدم اقدام علیه آن‌ها باشد؛ و از دیگر سو، افراط در خصوص دخالت لیسانس‌گیرندگان در دعاوی معطوف به مالکیت‌های صنعتی، علاوه بر این‌که مدیریت دعوی توسط مالک حقوق را دشوار می‌سازد، مغایر مصالح دادرسی بوده و از منظر اقتصادی، موجب تحمیل هزینه‌های بلاجهت به نظام قضایی کشور خواهد شد. برای مثال، شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران طی دادنامه شماره ۱۷۰۲۴۳۷۷/۱۳۹۰ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۰۸ به دلیل این‌که دعوی ابطال علامت صرفاً به طرفیت مالک علامت تجاری اقامه شده بود، ضمن اشاره به لزوم اقامه دعوی به طرفیت لیسانس‌گیرندگان علامت، قرار عدم استماع صادر نموده است؛ نتیجه چنین نگرشی جز اطاله دادرسی و تحمیل هزینه به خواهان و نظام قضایی کشور، چیست؟ اساساً آیا از نظر تجاری، اطلاع تمامی لیسانس‌گیرندگان از وضعیت حقوقی مالک و دخالت در دعوی ابطال، به نفع مالک علامت است؟

در نوشتار حاضر، تلاش شده تا با بررسی مقررات قانون حمایت از مالکیت صنعتی و نیم‌نگاهی به مقررات سایر کشورها، تحلیلی از مقررات مربوط به حق طرح دعاوی ابطال، نقض و مقابله با رقابت غیر منصفانه ارائه شود که مناسب وضعیت فعلی نظام حقوق مالکیت صنعتی ایران بوده و ضمن توجه به منافع دارندگان حقوق مالکیت صنعتی در عین توجه به منافع جامعه، حتی‌المقدور از افراط و تفریط به دور باشد.

۱. خواهان دعاوی نقض حقوق مالکیت صنعتی

در بند ب ماده ۱۵، ماده ۲۳ و بند ب ماده ۴۰ قانون ۱۳۸۶، حق اقامه دعوی نقض به «مالک» به عنوان ذی‌نفع اصلی طرح این دعوی (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۳۲) اختصاص یافته بود؛ با وجود این، وفق قسمت اخیر ماده ۶۰ آن قانون، در صورت اثبات تقاضای لیسانس‌گیرنده از مالک مبنی بر اقامه دعوی و عدم توانایی یا تمایل مالک به اجابت درخواست وی، دادگاه می‌توانست به درخواست لیسانس‌گیرنده، اعم از انحصاری یا غیر انحصاری (احسنی‌فروز، ۱۳۹۰: ۳۱۲)، علاوه بر صدور دستور

جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب الوقوع حقوق، به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید. در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، مقرره‌ای هم‌سنگ ماده ۶۰ قانون سابق وجود ندارد و احکام مربوط به حق طرح دعوی نقض در هاله‌ای از ابهام قرار دارند؛ قانون‌گذار به‌رغم پیشنهادهایی که در زمان حاکمیت قانون ۱۳۸۶، در خصوص تصریح به حق طرح دعوی نقض لیسانس‌گیرندگان انحصاری مطرح شده بود (کارچانی و جعفرزاده، ۱۴۰۲: ۳۱۷)، پیرامون این امر موضع شفافی اتخاذ ننموده است؛ البته اشاره صریح به لزوم رعایت مقررات مربوط به تنظیم رسمی و ثبت قراردادهای لیسانس و واگذاری در مواد مربوط به حق طرح دعوی، از جمله پیشرفت‌های این قانون محسوب می‌شود.

۱-۱. دعاوی نقض حقوق ناشی از اختراعات، نمونه اشیاء مصرفی و طرح‌های

صنعتی

وفق ماده ۳۵ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، «مالک اختراع ثبت شده یا نماینده یا قائم مقام او» می‌تواند علیه ناقض اقامه دعوی نماید؛ این حکم با توجه به مواد ۸۱ و ۹۴، راجع به نمونه اشیای مصرفی و طرح‌های صنعتی نیز مجری است؛ البته اگرچه وفق تبصره ماده ۹۳ قانون، حق اقامه دعوی نقض صرفاً به «مالک طرح صنعتی» اختصاص یافته، لکن با عنایت به ارجاع ماده ۹۴ به مواد ۳۵ و ۷۲ قانون، امکان اقامه دعوی از سوی «نماینده» و «قائم مقام» مالک طرح صنعتی نیز وجود دارد. با توجه به عدم اشاره صریح قانون‌گذار به حق طرح دعوی لیسانس‌گیرنده و عدم تبیین مفاهیم «نماینده» و «قائم مقام»، پرسش اصلی این است که با توجه به مقررات قانون می‌توان لیسانس‌گیرنده را دارای چنین حقی دانست؟

در این رابطه، ممکن است استدلال شود که «نماینده» و «قائم مقام» صرفاً در معنای عمومی خود در حقوق قراردادها و مقررات دادرسی به کار رفته و مفهوم نماینده فقط مشمول وکلای دادگستری و موارد منصوصی است که اشخاص می‌توانند نماینده غیر وکیل دادگستری معرفی نمایند (شمس، ۱۳۹۲: ب: ۵۳۱)؛ توضیح این که تنها شخصی می‌تواند به عنوان نماینده در دعوی مداخله نماید که سمت وی به عنوان نماینده در «قانون» به رسمیت شناخته شده باشد (افتخار جهرمی و السان، ۱۳۹۹: ۲/۵۵؛ السان و خنجری، ۱۴۰۰: ۱۱۰). منظور از «قائم مقام» صرفاً انتقال‌گیرنده

در قراردادهای واگذاری حقوق مالکیت صنعتی است؛ بدین ترتیب، لیسانس‌گیرنده در هیچ شرایطی امکان یا حق اقامه دعوی نقض را دارا نیست. تعریف نقض در ماده ۷۰ قانون که عبارت است از «انجام هرگونه فعالیتی که حقوق انحصاری مالک گواهی‌نامه اختراع یا قائم‌مقام او را تضییع کند»، می‌تواند مؤید چنین برداشتی باشد؛ بر اساس این تعریف، ممکن است بیان شود که نقض صرفاً به معنای تضییع حقوق مالک یا قائم‌مقام است و تضییع حق لیسانس‌گیرنده، صرفاً از طریق ضمانت اجراهای قراردادی قابل پیگیری است و نه ضمانت اجراهای نقض حقوق مالکیت صنعتی. چنین استدلالی، از این جهت قابل نقد می‌نماید که به منافع لیسانس‌گیرنده توجهی ندارد؛ در بسیاری از فروض، متضرر اصلی نقض، لیسانس‌گیرنده است و مالک ممکن است به هر علت مایل به طرح دعوی نباشد (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۲۵). به علاوه، چنین نگرشی با حکم قانون‌گذار در ماده ۳۵ ناظر بر لزوم رعایت ماده ۵۸ قانون ناظر بر تنظیم رسمی قراردادهای واگذاری و لیسانس، ناسازگار به نظر می‌رسد؛ به علاوه، استناد به تعریف نقض (ماده ۷۰) از این جهت راهگشا نیست که برقراری حق طرح دعوی برای لیسانس‌گیرنده لزوماً به معنای شناسایی حق مالکانه برای وی نبوده و ممکن است نقض، حقوق مالک را متأثر سازد، اما شخص دیگری مثل لیسانس‌گیرنده نیز قادر به تعقیب نقض باشد.

پاسخ به پرسش مطروحه، بدون تحلیل ماهیت قرارداد لیسانس و حقوق لیسانس‌گیرنده، مقدور نیست؛ چنانچه لیسانس، همانند آنچه برخی از صاحب‌نظران بیان داشته‌اند، موجب تملیک منفعت یا واگذاری حق دانسته نشود (رهبری، ۱۳۹۲: ب: ۱۴۲)، انتقال پیش‌فرض حق طرح دعوی به لیسانس‌گیرنده منتفی است؛ بنابراین می‌توان گفت قانون‌گذار طرح دعوی توسط لیسانس‌گیرنده به عنوان قائم‌مقام یا نماینده مالک را ممکن دانسته، اما این عناوین را مفروض نپنداشته و آن را به توافقات طرفین واگذار نموده است؛ بدین ترتیب، در صورت سکوت قرارداد لیسانس‌گیرنده قادر به طرح دعوی نبوده و صرف انحصاری بودن لیسانس، موجب حق لیسانس‌گیرنده بر اقامه دعوی به عنوان قائم‌مقام نیست. در مقابل، اگر لیسانس (دست کم لیسانس انحصاری)، در زمره عقود ناقله دانسته شود، می‌توان قائل به تفکیک شده و در صورت انحصاری بودن لیسانس و سکوت قرارداد، لیسانس‌گیرنده را قائم‌مقام مالک

در طرح دعوی محسوب نمود و در فرض غیر انحصاری بودن، امکان طرح دعوی نقض توسط لیسانس گیرنده را منتفی دانست مگر این که قرارداد چنین اختیاری را به وی داده باشد؛ وفق این دیدگاه، با توجه به ماهیت انحصاری لیسانس، حق طرح دعوی با اعطای لیسانس، به لیسانس گیرنده منتقل می شود (Aleman, 2018: 11). نظر به این که متضرر اصلی نقض، عمدتاً لیسانس گیرنده انحصاری است و سرمایه گذاری وی با نقض تهدید می شود (INTA, 2019: 26)، پذیرش نظر اخیر موجه تر به نظر می رسد. با این توصیف، چون تشخیص نحوه اقدام علیه ناقضین از اختیارات مالک است (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۲۴)، نامبرده همچنان می تواند در قرارداد، به لیسانس گیرنده امکان طرح دعوی داده یا حق طرح دعوی را از وی سلب نماید و مقررات قانون تنها در فرض سکوت قرارداد حاکم هستند.

گرچه ممکن است اشاره قانون گذار به لزوم جبران خسارات در صورت اثبات نقض به تقاضای هر یک از «ذی نفعان» در ماده ۷۲ قانون، مؤیدی بر برخورداری لیسانس گیرنده از حق طرح دعوی محسوب شود، اما با توجه به عبارت «در صورت اثبات نقض»، واضح است که این حکم صرفاً به مرحله پس از اقامه دعوی اشاره داشته و حکم ماده فقط در راستای اشاره به لزوم جبران خسارت برقرار شده و در مقام بیان اشخاص دارای حق طرح دعوی نیست (جعفرزاده و کارچانی، ۱۴۰۲: ۲۰۰-۱۹۹). با توجه به ارجاع صریح ماده ۳۵ به ماده ۵۸ باید در نظر داشت که شناسایی حق قانونی یا قراردادی اقامه دعوی برای لیسانس گیرنده، در هر صورت منوط به تنظیم رسمی قرارداد در دفاتر اسناد رسمی است؛ زیرا اولاً ناقض ادعایی در زمره اشخاص ثالثی است که قابلیت استناد به قرارداد در برابر آنها منوط به ثبت قرارداد است و ثانیاً این امر از طرح ادعاهای متعدد علیه ناقض ادعایی جلوگیری خواهد نمود.

قانون گذار تعریفی از نقض «حقوق معنوی» ارائه نداده و اشخاص برخورداری از حق طرح دعوی نقض حقوق معنوی را تعیین ننموده است؛ مستند به مواد ۵۴ تا ۵۶ قانون و ارجاعات مواد ۸۱ و ۹۴ به آنها، می توان گفت چنانچه شخصی که در پدیدآوردن اختراع، نمونه شیء مصرفی یا طرح صنعتی مشارکت نداشته به عنوان مخترع، پدیدآور یا طراح در گواهی نامه ذکر شده یا نام مخترعین، پدیدآوردگان یا

طراحان اصلی یا یکی از آنان (در فرض مشترک بودن) در گواهی نامه ثبت درج نشود، نقض حقوق معنوی رخ داده است؛ بدین ترتیب، مخترع، پدیدآورنده نمونه شیء مصرفی یا طراح طرح صنعتی، ذی نفع اقامه دعوی نقض حقوق معنوی محسوب می‌شوند. با توجه به این که حقوق معنوی غیر قابل انتقال و وابسته به شخصیت پدیدآورنده محسوب می‌شوند و اساساً اعمال این حقوق نیز قابل واگذاری به غیر نیست، نمی‌توان برای دارنده حقوق مادی مصادیق مذکور، به حق طرح دعوی نقض حقوق معنوی قائل بود.

۲-۱. دعاوی نقض حقوق ناشی از علائم و نام‌های تجاری

وفق ماده ۱۰۸ قانون، برخلاف ماده ۳۵، حق طرح دعوی نقض به «مالک علامت ثبت شده یا نماینده او» اختصاص داشته و سخنی از «قائم مقام» و لزوم رعایت ماده ۵۸ به میان نیامده است؛ چنانچه حذف قائم مقام در ماده ۱۰۸ ناشی از مسامحه باشد، نمی‌توان تفاوتی میان حق لیسانس‌گیرنده اختراع و علامت تجاری تصور نمود. در مقابل، اگر این اقدام عامدانه دانسته شود، لیسانس‌گیرنده در هیچ فرضی (خواه لیسانس انحصاری، خواه لیسانس غیرانحصاری) نمی‌تواند اصالتاً دعوی نقض را اقامه نماید و طرح دعوی توسط وی منحصر به فرض نمایندگی قراردادی خواهد بود (جعفرزاده و کارچانی، ۱۴۰۲: ۲۰۳-۲۰۲). نظر به این که، اولاً، طرح دعوی نقض علامت تجاری علاوه بر نفع مالک، نفع عموم جامعه را نیز در بردارد (Knoll, 2015: 985)؛ ثانیاً، اقامه دعوی نقض به جهت حفظ قدرت تمایز بخشی علامت و استمرار حقوق مالک نیز واجد اهمیت است (Knoll, 2015: 985)؛ و ثالثاً، در فرض خارجی بودن مالک، به جهت پیچیدگی دعاوی (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۲۵) و به دلیل عدم تمایل وی (مثلاً فاقد اهمیت بودن بازار ایران)، احتمال استمرار نقض و گمراهی مصرف‌کنندگان به دلیل نداشتن حق طرح دعوی لیسانس‌گیرنده داخلی قابل توجه است، به‌رغم فرض حکیم بودن قانون‌گذار، قائل شدن به مسامحه قانون‌گذار موجه‌تر به نظر می‌رسد.

عدم ارجاع صریح به ماده ۵۸ در ماده ۱۰۸ در مقایسه با ماده ۳۵ را نباید بر عدم لزوم تنظیم رسمی لیسانس برای ایجاد امکان طرح دعوی لیسانس‌گیرنده حمل نمود؛ زیرا با توجه به ارجاع ماده ۱۱۶ به ماده ۵۸ و اطلاق ماده ۵۸ ناظر بر لزوم

تنظیم رسمی قرارداد جهت استناد به قرارداد در مقابل اشخاص ثالث (کارچانی و جعفرزاده، ۱۴۰۲: ۳۱۵)، چنین برداشتی را منتفی می‌سازد. به همین ترتیب، انتقال گیرنده علامت تجاری نیز صرفاً در صورت تنظیم رسمی قرارداد و ثبت آن امکان اقامه دعوی علیه ناقض را خواهد داشت (BIRPI, 1967: 52).

پرسش دیگر این‌که آیا «استفاده‌کننده مقدم» از علامت، بدون ثبت علامت امکان طرح دعوی علیه استفاده‌کنندگان غیر مجاز از علامت را داراست؟ با توجه به عبارت «علامت متعلق به دیگری» در ماده ۱۰۵ و عدم اشاره بند ۲ ماده ۱۳۱ به ثبت علامت، ممکن است چنین گمان شود که استفاده‌کننده مستمر، مالک علامت محسوب شده و حق اقامه دعوی نقض را داراست، اما اشاره قانون‌گذار به علائم ثبت شده در مواد ۹۹ و ۱۰۰ و عبارت «مالک علامت ثبت شده» در ماده ۱۰۸ راجع به حق طرح دعوی، به روشنی چنین تصویری را از بین می‌برد. وفق ماده ۱۰۵ قانون، استفاده‌کننده مقدم حسب شرایط صرفاً از حق اقامه دعوی ابطال علامت مورد استفاده یا حق استمرار استفاده از علامت برخوردار است.

قانون‌گذار در ماده ۱۱۸ صرفاً به ممنوعیت استفاده گمراه‌کننده از نام تجاری اشاره داشته و طبعاً دعوی نقض توسط شخص یا اشخاصی قابل طرح است که مطابق قواعد عمومی «ذی‌نفع» و دارای سمت محسوب شوند؛ با عنایت به این‌که در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، دو نظام حمایتی «ثبت محور» و «استفاده محور» برای حمایت از نام‌های تجاری پیش‌بینی شده و با توجه به عبارت «عرفاً موجب گمراهی عموم شود» در ماده ۱۱۸ و با عنایت به بند ۲ ماده ۱۳۱، حمایت سلبی از نام‌های تجاری صرفاً با «استفاده» از نام در بازار، برقرار می‌شود، ذی‌نفع اقامه دعوی نقض شخص یا بنگاهی خواهد بود که استفاده از نام به وی منتسب باشد، صرف نظر از این‌که نام تجاری وفق تبصره ماده ۱۱۷ ثبت شده یا نشده باشد.

۳-۱. دعاوی نقض اسرار تجاری

در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، مقررهای پیش‌فرض مبنی بر شناسایی دارنده حق طرح دعوی نقض اسرار تجاری یا ارجاع به مقررات دیگر، وجود ندارد؛ بدین ترتیب، لاجرم بایستی در این رابطه به عمومات اکتفا نمود. قانون‌گذار برای اشاره

به مالک اسرار تجاری از عبارات «دارنده قانونی» در ماده ۱۲۲، «مالک» در ماده ۱۲۳ و «صاحب» در ماده ۱۲۶ بهره برده است؛ به دلیل وجود نفع مادی و معنوی (محسنی، ۱۳۹۸: ۲۶۳)، در برخورداری چنین شخصی از حق طرح دعوی نقض تردیدی وجود ندارد، اما پرسش اینجاست که آیا لیسانس‌گیرنده اسرار تجاری نیز از چنین حق یا امکانی برخوردار است؟ نظر به این که اولاً قرارداد لیسانس اسرار تجاری مصداقی از قراردادهای موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی بوده و مالکیت منفعت در آن منتفی است (رهبری، ۱۳۹۲ الف: ۱۵۲) و ثانیاً با توجه به مخاطرات پیرامون افشای اسرار تجاری در دعاوی و صلاحیت انحصاری دارنده اسرار در این خصوص، برخورداری لیسانس‌گیرنده از حق قانونی طرح دعوی محل تردید جدی است؛ گرچه قانون‌گذار در تبصره ماده ۱۲۷، برگزاری غیر علنی دادگاه در دعاوی اسرار تجاری را به عنوان یکی از تدابیر حمایتی (رهبری، ۱۳۹۲ الف: ۲۰۹) پیش‌بینی نموده، اما در مقایسه با سایر مقررات، صرف غیر علنی بودن دادگاه ضامن حفظ اسرار نبوده و حمایتی از دارنده در مقابل طرف دعوی به عمل نمی‌آورد؛ به همین جهت اعطای «حق قانونی» به لیسانس‌گیرنده جهت شروع دعوی نقض، به مصلحت دارنده اسرار نیست.

۴-۱. دعاوی نقض حقوق مالکیت صنعتی مشاع

قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۷ قانون، هم‌راستا با ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، برای هر یک از مالکان مشترک اختراع، مستقلاً نیز حق اقامه دعوی نقض را شناسایی نموده است؛ این حکم با توجه به مواد ۸۱ و ۹۴ در خصوص طرح‌های صنعتی و مدل‌های مصرفی نیز مجری است.

با توجه به این که ماده ۱۱۶ ناظر بر علائم تجاری صرفاً به تبصره ۳ ماده ۷

۱. به عنوان مثال، وفق ماده ۹ دستورالعمل اروپا راجع به حمایت از دانش فنی افشا نشده و اطلاعات تجاری (اسرار تجاری) در مقابل تحصیل، استفاده و افشای غیر قانونی مصوب ۲۰۱۶، کشورهای عضو باید تضمین کنند که در تمام مراحل دادرسی‌های مربوط به تحصیل، استفاده و افشای غیر مجاز اسرار تجاری، طرفین دعوی، وکلای آنان، کادر اداری دادگاه، شهود، کارشناسان و سایر اشخاص دخیل در دادرسی و کلیه اشخاصی که به مناسبت به اسناد مربوطه دسترسی پیدا می‌کنند، مجاز به استفاده یا افشای اطلاعات محرمانه ارائه شده در دادگاه نباشند. کشورها می‌توانند نحوه برقراری این تضمین را به دادگاه‌های خود واگذار کنند؛ وفق این ماده اعمال محدودیت در دسترسی به اسناد حاوی اسرار تجاری و اعمال محدودیت شرکت در جلسات استماع دادگاه از جمله راهکارهای حفظ اسرار تجاری در فرایند رسیدگی دادگاه عنوان شده‌اند.

و نه تبصره ۲ آن ارجاع داده، این پرسش مطرح می‌شود که آیا هر یک از مالکان مشترک علائم تجاری می‌توانند مستقلاً نیز نسبت به اقامه دعوی نقض اقدام نمایند یا اقدام آن‌ها صرفاً باید به صورت اجتماعی باشد؟ در این رابطه دو تفسیر قابل ارائه است: نخست، از منظر قانون‌گذار، مالکان مشترک علامت تجاری باید به اتفاق (نه به تنهایی) دعوی نقض حقوق ناشی از علامت تجاری را اقامه نمایند. دوم، با توجه به ماده ۱۰۷ مبنی بر جواز استفاده جداگانه هر یک از مالکان مشترک علامت که با توجه به قید «مشروط بر آن‌که استفاده هم‌زمان یا جداگانه، در عرف موجب گمراهی عموم نشود»، به‌طور ضمنی بیانگر حق هر یک از ایشان برای اقامه دعوی منع استفاده گمراه کننده علیه شریک است و همچنین با عنایت به قواعد عمومی ناظر بر اموال مشاع، هر یک از مالکان می‌توانند به تنهایی نیز نسبت به طرح دعوی نقض مبادرت نمایند؛ به نظر می‌رسد پذیرش تفسیر دوم مرجح است.

۵-۱. متقاضی اقدامات تأمینی و موقتی

وفق ماده ۷۳، «معترض» می‌تواند از مرجع قضایی، صدور قرار تأمین خواسته و دستور توقیف فرآورده‌های ناقض حقوق ادعایی و نیز صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت، فروش یا ورود این فرآورده‌ها را درخواست کند. این حکم وفق ارجاع مواد ۸۱، ۹۴، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۸ و ۱۳۰ در خصوص نمونه اشیای مصرفی، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری، اسرار تجاری و رقابت غیر منصفانه نیز جاری است.

بدیهی است تمامی اشخاصی که وفق قانون دارای حق اقامه دعوی نقض یا دعوی ناظر بر اعمال رقابت غیر منصفانه شناخته شوند، می‌توانند متقاضی اقدامات تأمینی و موقتی محسوب شوند، اما منظور از «معترض» در ماده ۷۳ چیست؟ آیا می‌توان اشخاصی را تصور نمود که ذی‌نفع اقامه دعوی نباشند، اما ذیل چتر «معترض»، متقاضی اقدامات تأمینی و موقت محسوب شوند؟ به نظر می‌رسد استفاده از «معترض» با الهام از ماده ۱۸۳ آیین‌نامه قانون ۱۳۸۶، صورت گرفته است، اما سابقه استفاده از «معترض» به عنوان متقاضی اقدامات تأمینی و موقت به ماده ۶۴ «آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات» مصوب ۱۳۳۷، باز می‌گردد. بر اساس این ماده، «معترض در دعاوی حقوقی و شاکی خصوصی در دعاوی جزایی»

می‌توانست از مراجع قضایی این تدابیر را درخواست کند. با توجه به پیشینه استفاده از این واژه، در وضعیت فعلی باید آن را به معنای «خواهان» در نظر گرفت (جعفرزاده و کارچانی، ۱۴۰۲: ۲۰۰). البته، با توجه به عبارت «دعای حقوقی و کیفری» در ماده ۷۳، «معترض» را باید به معنای خواهان و شاکی دانست. برخی از نویسندگان، به لحاظ معنایی «معترض» را شامل لیسانس‌گیرنده نیز دانسته‌اند (دریایی و نوروزی، ۱۳۹۶: ۹۲-۹۳).

۲. دعوی ناظر بر مقابله با اعمال رقابت غیر منصفانه

مقررات کشورها در خصوص اشخاص دارای حق اقامه دعوی علیه رقابت غیر منصفانه یکنواخت نبوده و هر کشور بر اساس شرایط خود، اشخاص مذکور را توسعه داده یا محدود نموده است؛ به عنوان مثال، در حقوق کانادا، رقبا صرف نظر از این‌که حقوق مالکیت فکری آن‌ها متأثر شده یا نشده باشد، مصرف‌کنندگان متضرر از ارائه نادرست اطلاعات و نهاد رقابت، می‌توانند نسبت به اقامه دعوی اقدام کنند (INTA, 2023: 40). در حقوق دانمارک، چنین حقی به «هر ذی‌نفع» اختصاص یافته است (Marketing Practices Act, 2017: art. 32.1)؛ در مقابل، در روسیه، تنها رقبا می‌توانند به ضمانت اجرای رقابت غیر منصفانه متوسل شوند (INTA, 2023: 172).

در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، قانون‌گذار در خصوص ذی‌نفع اقامه دعوی علیه اقدامات رقابت غیر منصفانه، برخلاف نقض اختراع، طرح صنعتی، مدل مصرفی و علائم تجاری، مقرره‌ای را پیش‌بینی ننموده است. بدیهی است که هر شخصی که دارای نفعی مشروع، به وجود آمده و باقی و شخصی و مستقیم باشد (شمس، ۱۳۹۲: ۵۰۸-۵۱۴)، از حق اقامه دعوی برخوردار خواهد بود. با توجه به عدم شمول اصل عدم قابلیت طرح دعوی بازدارنده بر حفظ منافع آینده (محسنی، ۱۳۹۸: ۲۶۳) و شمول نفع بر منافع بالقوه (شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۸۰۲۲۸۷۰۰۸۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۵) به نظر می‌رسد هر شخصی که از اقدامات رقابت غیر منصفانه به صورت بالقوه یا بالفعل متضرر شود، ذی‌نفع در طرح دعوی محسوب می‌شود. به عنوان مثال، هنرپیشه‌ای که از حق شهرت وی توسط یک بنگاه برای ایجاد مزیت رقابتی بلاوجه سوء استفاده شده است، مستند به

ماده ۱۲۹ این قانون، حق طرح دعوی علیه بنگاه مربوطه را داراست. به همین ترتیب، رقیب متضرر از تبلیغات مقایسه‌ای (بند ۴ ماده ۱۲۹)، می‌تواند علیه بنگاه رقیب اقامه دعوی کند (رضوی و رضوی، ۱۳۹۹: ۲۰-۲۱). همچنین، با عنایت به این‌که برخی از اقدامات رقابت غیر منصفانه (مثلاً بندهای ۲، ۳ و ۴ ماده ۱۲۹) با نقض حقوق ناشی از علائم تجاری و طرح‌های صنعتی دارای همپوشانی هستند، بایستی به ذی‌نفع بودن دارندگان این حقوق با لحاظ مقررات مربوطه، قائل بود.

به‌علاوه، با عنایت به این‌که در مقررات رقابت غیر منصفانه حمایت از مصرف‌کنندگان نیز در کنار حمایت از رقبای، مورد نظر بوده و با توجه به این‌که مصرف‌کنندگان به‌طور مستقیم متضرر اقدامات موضوع بندهای ۳ و ۵ ماده ۱۲۹،^۱ هستند، بایستی حداقل به ذی‌نفع بودن مصرف‌کنندگان در مقابله با اعمال مذکور در بندهای ۳ و ۵ قائل بود. صرف نظر از ذی‌نفع محسوب شدن مصرف‌کننده در کشورهایایی مثل دانمارک، در برخی از کشورها مثل ترکیه (Turkish Commercial Code, 2012: art. 56.2) و کانادا، صراحتاً به حق طرح دعوی مصرف‌کننده تصریح شده است. در همین راستا، وفق «قانون مدل واپیو راجع به حمایت در برابر اقدامات رقابت غیر منصفانه»، هر شخص حقیقی یا حقوقی که از اقدامات رقابت غیر منصفانه، زیان دیده یا در معرض آسیب باشد، استحقاق توسل به ضمانت اجراهای این اقدامات را خواهد داشت (WIPO, 1996(b): art.1). بر اساس شرح این ماده، «زیان» باید به‌طور موسع تفسیر شده و تمام مواردی که خواننده دعوی، دارایی بلاجهتی را در ازای تحمیل هزینه به خواهان کسب نموده یا احتمال کسب آن وجود دارد، شامل شود؛ همچنین، امکان توسل مصرف‌کنندگان و نهادهای حمایت از مصرف‌کنندگان به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است (WIPO, 1996: 12).

۱. ماده ۱۲۹- موارد زیر رقابت غیر منصفانه محسوب می‌شود: ... ۳- تبلیغات نادرست یا گمراه‌کننده و هرگونه ارائه اطلاعات یا ایجاد تصور نادرستی که موجب گمراهی عموم در مورد ماهیت محصولات و کیفیت آن‌ها از قبیل مواد تشکیل‌دهنده کالا، مدت اعتبار و منشأ آن‌ها، روش ساخت، میزان یا مقدار و دسترسی برای استفاده از محصولات شود؛ ... ۵- تبلیغاتی که کالای اصلی و کالای تحت مجوز بهره‌برداری (لیسانس) که کیفیت کالای اصلی را نداشته باشد را از هم متمایز ننماید.

۲. در ترکیه، مصرف‌کنندگانی که به منافع اقتصادی آن‌ها لطمه وارد شده، وفق بند ۲ ماده ۵۶ قانون تجارت ترکیه می‌توانند علیه اقدامات رقابت غیر منصفانه اقامه دعوی کنند.

۳. خواهان دعاوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت مالکیت صنعتی

قانون ۱۳۸۶، در مواد ۱۸، ۲۹ و ۴۱، «ذی‌نفع» را دارای حق اقامه دعوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و ابطال و لغو گواهی‌نامه‌های ثبت علائم تجاری دانسته بود؛ با توجه به عدم تبیین مفهوم ذی‌نفع و ابهام آن در دعاوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت مالکیت صنعتی، اختلاف نظرهای بسیاری پیرامون این موضوع وجود داشت؛ و در آراء دادگاه‌ها نیز رویه یکنواختی به چشم نمی‌خورد؛ مطالعه آراء حاکمی از این بود که دادگاه‌ها نسبت به شناسایی اشخاص ذی‌نفع در طرح دعاوی ابطال، دیدگاهی حداقلی داشتند؛ مثلاً شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران، طی دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۶۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۴، قرار رد دعوی صادره به دلیل عدم ذی‌نفعی در خصوص دعوی ابطال گواهی‌نامه ثبت طرح صنعتی که توسط واردکننده محصولات از ترکیه اقامه شده بود را به دلیل عدم مالکیت خواهان بر طرح صنعتی، تأیید نمود.^۳ صرف نظر از آنچه در عمل رخ خواهد داد، در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، قلمروی اشخاص دارای حق طرح دعوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت به نحو چشم‌گیری توسعه یافته است.

۳-۱. دعاوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت اختراعات، نمونه اشیاء مصرفی و

طرح‌های صنعتی

قانون‌گذار همانند برخی از کشورها مانند ژاپن (ماده ۱۱۳ قانون ثبت اختراعات) و کره جنوبی (ماده ۲-۱۳۲ قانون ثبت اختراعات اصلاحی ۲۰۱۶)، در ماده ۲۹ قانون حمایت از مالکیت صنعتی این امکان را فراهم نموده که پس از انتشار متن نهایی اختراع، «هر شخص» معترض به پذیرش اظهارنامه، ظرف نه ماه اعتراض خود را به مرجع ثبت تسلیم و یا پس از این مهلت، اعتراض (دعوی ابطال) خود را در مرجع قضایی مطرح کند. با توجه به ارجاع مواد ۸۱ و ۹۴، مقررات مذکور در خصوص دعاوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت طرح‌های صنعتی و مدل‌های مصرفی نیز

۱. بنگرید به: سیدین و کارچانی، ۱۳۹۷: ۳۷-۴۳؛ ناظری، ۱۴۰۰: ۲۹-۳۹؛ صادقی و جوهری، ۱۳۹۱:

۱۱۷-۱۴۴؛ حبیبی و ناظری، ۱۴۰۰: ۵۲-۸۶.

۲. برای مطالعه رویه قضائی در خصوص ذی‌نفع دعوی ابطال گواهی‌نامه ثبت اختراع بنگرید به: سیدین و کارچانی، ۱۴۰۳: ۶۶۱-۶۹۲؛ کارچانی، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۴۴.

۳. بنگرید به: سیدین و کارچانی، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۹.

مجری هستند. همچنین، وفق تبصره ۲ ماده ۶۷ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، «هر شخصی می‌تواند ابطال گواهینامه اختراع و یا ابطال یک ادعا یا بخشی از ادعاهای مربوط را از مرجع صالح قضایی درخواست نماید». در نسخه اولیه طرح حمایت از مالکیت صنعتی (۱۳۹۸/۰۵/۲۶)، در تبصره ۲ ماده ۶۷، ابطال گواهی‌نامه ثبت اختراع از سوی «هر ذی‌نفع» ممکن دانسته شده بود؛ در جلسات کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس پیشنهاد شد تا مفهوم ذی‌نفع توسعه داده شده و نهادهای حاکمیتی و نظارتی، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه موضوع اختراع را نیز شامل شود (سیدین و کارچانی، ۱۴۰۰: ۳۵)؛ در نهایت به پیشنهاد رئیس وقت کمیسیون مذکور، کلمه «ذی‌نفع» به عبارت «هر شخص» تغییر داده شد و به اتفاق آراء اعضای کمیسیون به تصویب رسید.

از یک‌سو، با بررسی سابقه قانون‌گذاری در کشورهای ژاپن و کره جنوبی می‌توان از رویکرد قانون‌گذار دفاع نمود؛ چرا که اساساً توسعه گستره اشخاصی که می‌توانند به اظهارنامه اعتراض نموده و یا بعد از اعطای گواهی‌نامه ثبت، ابطال آن را از دادگاه درخواست نمایند، نظارت عموم بر گواهی‌نامه‌های صادره را فراهم نموده و این امر در درازمدت به افزایش کیفیت اختراعات، طرح‌های صنعتی و مدل‌های مصرفی ثبت شده، منجر خواهد شد. گفتنی است که قانون‌گذار ژاپن در سال ۱۸۹۹ حق ابطال گواهی‌نامه اختراع را برای هر شخص در نظر گرفته بود (Nakayama, 2024: 651)، اما به دلیل وجود بیم سوء استفاده، در سال ۱۹۰۷ این حق به ذی‌نفع و ارزیابان مرجع ثبت محدود گردید. در قانون ۱۹۵۹ قانون‌گذار ژاپن، در خصوص شرط ذی‌نفعی مدعی ابطال اختراع، سکوت اختیار نمود، اما رویه قضایی آن کشور بر این نظر بود که اصل ذی‌نفعی در دعاوی مدنی همچنان در این دعاوی نیز جاری است (Nakayama, 2024: 651). سپس در اصلاحات سال ۲۰۰۳ قانون‌گذار ژاپن در بند ۲ از ماده ۱۲۳ جهت حفظ حقوق عامه، قلمروی مدعی ابطال را به «هر شخص» افزایش می‌دهد. در سال ۲۰۱۴ قانون‌گذار ژاپن جهت حمایت از سرمایه‌گذاری دارندگان اختراع و همچنین ایجاد تعادل و توازن میان حقوق عموم و دارندگان اختراع، میان فرآیند «اعتراض به ثبت» و «ابطال اختراع» تفکیک قائل شده و مقرر نموده که هر شخص می‌تواند ظرف شش ماه به اختراع ثبت شده، در مرجع

ثبت اعتراض نماید (مواد ۱۱۳ و ۱۱۴ قانون ثبت اختراعات) و پس از این مهلت، طبق ماده ۱۲۳ قانون ثبت اختراعات ژاپن، صرفاً اشخاص ذی‌نفع حق طرح دعوی ابطال را دارا هستند.

از دیگر سو، این میزان از توسعه اشخاص دارای حق اقامه دعوی در قانون ۱۴۰۳، از این جهت قابل انتقاد است که اشخاص سودجو و دارای سوء نیت می‌توانند با اقامه دعاوی ابطال، مخترعین و سرمایه‌گذاران را با چالش‌ها و هزینه‌های بی‌مورد مواجه نمایند؛ در واقع، توسعه افراطی اشخاص دارای حق طرح دعوی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های بی‌جهت بر قوه قضاییه و جامعه، تأثیر منفی بر سطح نوآوری را به دنبال داشته و نوآوران را با خطر دعاوی واهی مواجه خواهد نمود (Greene, 2012: 26-27). در این رابطه باید افزود که وضعیت «اعتبار امر مختومه» دعاوی ابطال در حقوق ایران روشن نیست؛ توضیح این‌که وفق بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، حکم قطعی میان اشخاص دارای عبارت امر مختومه بوده و اصولاً اثری نسبت به اشخاص ثالث ندارد (شمس، ۱۳۹۲: ب: ۸۲۳)، اما پرسش اینجاست که اگر دعوی ابطال گواهی‌نامه ثبت مالکیت صنعتی سابقاً توسط یک شخص علیه مالک به جهتی مشخص، اقامه شده و منتهی به حکم قطعی شده باشد، آیا شخص ثالث می‌تواند مجدداً دعوی مذکور را به همان جهت دعوی سابق علیه مالک اختراع اقامه نماید؟ آیا حداقل در خصوص برخی از جهات ابطال (مثل عدم قابلیت ثبت به عنوان اختراع یا مخالفت اختراع با نظم عمومی موضوع بند ۱ ماده ۶۷ ناظر بر ماده ۴)، نمی‌توان قائل به عدم قابلیت طرح مجدد ادعا از سوی اشخاص ثالث بود؟ در مجموع، پیش‌بینی می‌شود دادگاه‌ها در اجرای این قانون مقاومت نشان داده و دعاوی ابطال اشخاصی که طبق مقررات عام دادرسی ذی‌نفع محسوب نشوند را استماع ننمایند. در هر صورت، رقبای تجاری شخص دارنده گواهی‌نامه از جمله واردکنندگان اقلام حاوی حق موضوع گواهی‌نامه و اشخاصی که به استناد گواهی‌نامه علیه آن‌ها اقامه دعوی شده، حق طرح دعوی ابطال را خواهند داشت. گفتنی است با توجه به ماده ۱۳۳ قانون و ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت وجود شرایط، با صدور قرار اناطه، مشتکی‌عنه قائل به بی‌اعتباری گواهی‌نامه شاکی در دعوی نقض، می‌تواند در

دادگاه حقوقی به طرح دعوی ابطال اقدام نموده و در این صورت پرونده کیفری تا صدور حکم قطعی در خصوص ابطال، بایگانی می‌شود.

۲-۳. دعوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت علائم تجاری

در زمان حاکمیت قانون ۱۳۸۶، تعیین ذی‌نفع دعوی ابطال گواهی‌نامه ثبت علامت تجاری از جمله موضوعات چالش برانگیز بود؛ به عنوان مثال، در پرونده ابطال گواهی‌نامه ثبت علامت تجاری «CORSAIR»، واردکننده محصولات حاوی علامت تجاری خارجی، علیه شخصی که همان علامت را در ایران ثبت نموده و ممکن بود مانع واردات وی شود، دعوی ابطال اقامه نمود؛ مرجع بدوی و تجدید نظر هر دو، با این عقیده که واردات کالا یا نمایندگی تجاری باعث ذی‌نفع تلقی شدن شخص نمی‌گردد، دعوی وی را به دلیل عدم مالکیت بر علامت اصلی، نپذیرفتند (ناظری، ۱۴۰۰: ۳۰). بر اساس پژوهش‌های آماری، در ایران قسمت عمده دعوی در حوزه علائم تجاری به دعوی ابطال علامت تجاری اختصاص داشته و ذی‌نفع ندانستن خواهان، یکی از دلایل عمده صدور قرار رد دعوی خواهان در این دعوی بوده است (حبیبیا و مشکین آذریان، ۱۳۹۹: ۵۰۳-۵۱۰). با توجه به این‌که علائم تجاری علاوه بر متأثر ساختن حقوق رقبا و سایر فعالان بازار، حقوق مصرف‌کنندگان و عموم جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تعریف سنتی مفهوم ذی‌نفع بر اساس مقررات دادرسی مدنی، در موارد متعددی پاسخگوی چالش‌های خاص موجود در حمایت از علائم تجاری نبود. به همین جهت در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، نسبت به قانون مصوب ۱۳۸۶، مفهوم ذی‌نفع توسعه داده شده است.

در قانون حمایت از مالکیت صنعتی، بر خلاف درخواست ابطال گواهی‌نامه اختراع که طبق تبصره ۲ ماده ۶۷ از سوی «هر شخص» قابل تقدیم است، ابطال گواهی‌نامه ثبت علامت تجاری طبق صدر ماده ۱۱۰، تنها از سوی «ذی‌نفع» قابل درخواست است؛^۱ شایان ذکر است که به‌طور مشابه، وفق ماده ۱۰۳ قانون، اعتراض به پذیرش اظهارنامه نیز صرفاً از سوی «ذی‌نفع» قابل پذیرش است. وفق تبصره ۳ ماده ۱۱۰، «مفهوم ذی‌نفع... علاوه بر اشخاصی که مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی

۱. برای مطالعه در خصوص خواهان دعوی ابطال علامت تجاری در حقوق امریکا، بنگرید به: آقامحمدی و مولودی و حاجی‌عزیزی، ۱۴۰۰: ۶۶۵-۶۶۸.

ذی نفع محسوب می شوند، شامل نهادهای حاکمیتی نظارت کننده بر کیفیت (کنترل کننده کیفیت) کالاها و خدمات و اتحادیه های صنفی است که در زمینه موضوع علامت تجارتي فعالیت دارند». این تبصره در پیش نویس طرح حمایت از مالکیت صنعتی وجود نداشته و به پیشنهاد برخی از حاضرین در جلسات کمیسیون قضایی و حقوقی، به ماده الحاق شده است (سیدین و کارچانی، ۱۴۰۰: ۵۷).

با توجه به نگرش توسعه ای قانون گذار به مفهوم خواهان دعوی ابطال گواهی نامه های ثبت در قانون ۱۴۰۳ و با جمع تبصره ۳ ماده ۱۱۰، ماده ۱۴ قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳ و بند ه ماده ۱ و ماده ۳۱ آیین نامه اجرایی قانون اخیر الذکر، می توان قائل به این بود که «مصرف کننده» کالا یا خدمات که در نتیجه استفاده از علامت ثبت شده، راجع به مبدأ جغرافیایی گمراه گردیده، می تواند به عنوان ذی نفع دعوی ابطال علامت را اقامه نماید. در زمان حاکمیت قانون ۱۳۸۶، مراجع قضایی حداقل در دو پرونده در این رابطه اظهار نظر نموده بودند: در پرونده ای که ابطال تصویر پرچم کشور سوئیس و نام پایتخت این کشور (ژنو) مندرج در علامت مربوط به محصولات آرایشی و بهداشتی از سوی سه شخص حقیقی به عنوان مصرف کننده از جمله به جهت گمراهی مصرف کننده درخواست شده بود، شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران وفق دادنامه شماره ۱۴۰۲۶۸۳۹۰۰۰۸۰۲۶۲۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۵/۳۱ بر این عقیده بود که «...خواهان ها جملگی از فارغ التحصیلان حقوق می باشند که برخی به شغل وکالت یا مشاوره حقوقی مشغول می باشند و هیچ گونه فعالیت تجاری ندارند و به عنوان مصرف کننده اقامه دعوی نموده اند در حالی که ملاک ضابطه تشخیص شباهت یا عدم شباهت دو علامت فریب و گمراهی مصرف کننده می باشد و خواهان وکیل مدافع دولت و کشور سوئیس نمی باشند که جهت حمایت از پرچم آن کشور اقامه دعوی نمایند و ماده ۶ ثالث کنوانسیون در راستای اجرای تکلیف برای دول عضو می باشد که اداره مالکیت صنعتی به عنوان مرجع رسمی دولتی در ایران تکلیف به کنترل دارد که علامت شبیه پرچم یا نشان رسمی کشور دیگر عضو اتحادیه پاریس نباشد و در حقوق به جز مخالفت با نظم عمومی در سایر موارد مصرف کننده حق اقامه دعوی ندارد و بلکه فریب مصرف کننده فقط ضابطه تشخیص می باشد. در بحث مربوط به نظم عمومی به لحاظ این که موجب

فریب و گمراهی مصرف‌کننده می‌شود به این اعتبار حق اقامه دعوی دارد که نظم عمومی را جریحه‌دار می‌سازد... از منظر نشان‌های جغرافیایی یا خدمات، می‌بایست حاوی نشان‌های جغرافیایی غیر [واقعی] نباشند و گرنه مصرف‌کننده از این منظر می‌تواند ابطال آن را درخواست نماید؛ بنابراین خواهان به عنوان مصرف‌کننده از لحاظ وجود نشان جغرافیایی در علامت خوانده ذی‌نفع می‌باشند و خوانده دلیلی بر واقعی بودن نشان جغرافیایی ارائه نکرده است دعوی را وارد و ثابت دانسته... در پرونده دیگری که سه شخص حقیقی به عنوان مصرف‌کننده، ابطال قسمتی از پرچم کشور کانادا مندرج در یک علامت تجاری مربوط به روان‌کننده‌ها (روغن موتور، گریس و ...) را از جمله به جهت گمراهی مصرف‌کننده درخواست نموده بودند، همین شعبه طی دادنامه شماره ۱۶۰۳۶۸۳۹۰۰۳۷۷۶۶۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۳/۲۳ چنین اظهار نظر نمود که «نظر به این‌که علامت دارای نشانی از اسم مبدأ می‌باشد؛ بنابراین هر شخص ذی‌نفعی می‌تواند اقامه دعوی نماید؛ بنابراین ایراد عدم ذی‌نفعی را وارد ندانسته...». بدین ترتیب، می‌توان قائل به این بود که اگر علامت ثبت شده، گمراه‌کننده (حداقل به لحاظ جغرافیایی) باشد، می‌توان مصرف‌کننده را ذی‌نفع دعوی ابطال دانست.

در خصوص ذی‌نفع در دعوی لغو/ابطال علامت به جهت عدم استفاده، لازم نیست که خواهان رقیب یا فعال بالفعل در حوزه علامت تجاری موضوع دعوی (کالاها یا خدمات) باشد؛ در زمان حاکمیت قانون ۱۳۸۶ برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده بودند که منظور از ذی‌نفع رقبای تجاری دارنده علامت هستند و در خصوص علائم ابداعی که ابتکار خاصی در آن‌ها به کار رفته، رقبای تجاری تنها در صورتی ذی‌نفع محسوب می‌شوند که درخواست ثبت عین یا مشابه علامت را داشته باشند (بهادری جهرمی و شاکری، ۱۴۰۱: ۱۳۸-۱۳۹).

با توجه به عدم قابلیت ثبت «علامتی که عین طرح صنعتی ثبت شده دیگری برای همان کالاها یا خدمات باشد» وفق بند ۱۱ ماده ۹۶ قانون حمایت از مالکیت صنعتی، وحدت ملاک ماده ۹۴ ناظر بر تبصره ۲ ماده ۷ قانون و نیز ارجاع ماده ۹۴ به ماده ۵۴ در خصوص حقوق معنوی، می‌توان گفت علاوه بر مالک طرح صنعتی، هر یک از مالکان مشترک طرح صنعتی و نیز طراح به عنوان دارنده حقوق معنوی

می‌توانند دعوی ابطال علامت تجاری مربوطه را اقامه نمایند. همچنین، اگرچه تعارض ثبت علامت با حقوق پدیدآورندگان آثار، در ماده ۹۶ به عنوان جهت ابطال پیش‌بینی نشده، اما با توجه به تمثیلی بودن جهات ابطال گواهی‌نامه ثبت علائم تجاری و با توجه به مواد ۱ تا ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و این واقعیت که «حق مؤلف، اثر ادبی و هنری را در تمام زمینه‌های فعالیت، غیر قابل تملک می‌کند (شمس، ۱۳۹۲ الف: ۹۷)»، اگر اثر هنری توسط شخص غیر مجاز به عنوان علامت ثبت شود، چنین علامتی قابل ابطال بوده و پدیدآورنده اثر یا دارنده حقوقی مادی ناشی از آن، در دعوی ابطال علامت، «ذی‌نفع» محسوب می‌شوند. در زمان حاکمیت قانون ۱۳۸۶، این موضوع وفق دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۲۲۶۳۰۰۱۷۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان تهران مورد تأکید قرار گرفته بود. به همین ترتیب، با توجه به ماده ۳ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای که نام، عنوان و نشانه ویژه معرف نرم‌افزارها را مورد حمایت قرار داده، چنانچه نام، عنوان و نشانه مذکور از سوی شخص ثالث به عنوان علامت تجاری برای نرم‌افزار رایانه‌ای (طبقه ۹)، ثبت شود، قابل ابطال بوده و پدیدآورنده نرم‌افزار، ذی‌نفع چنین دعوایی محسوب خواهد شد.

با عنایت به این‌که حقوق «استفاده‌کننده مقدم» وفق ماده ۱۰۵ قانون، صراحتاً شناسایی شده است، چنین شخصی نیز ذی‌نفع طرح دعوی ابطال علامت ثبت شده محسوب می‌شود؛ در فرض علم ثبت‌کننده به استفاده شخص و استمرار استفاده به مدت حداقل یک سال قبل از ثبت علامت، استفاده‌کننده مقدم حق طرح دعوی ابطال علامت ثبت شده مقدم را خواهد داشت.

برآمد

۱- با توجه به مقررات دادرسی مدنی فعلی، به نظر می‌رسد قانون‌گذار در قانون حمایت از مالکیت صنعتی در مقایسه با قانون ۱۳۸۶، در زمینه اشخاص دارای حق اقامه دعوی، توفیق قابل توجهی کسب ننموده و در مواردی عقب‌گرد نیز داشته است، اما آیا قانونی حمایتی و ماهوی باید تمامی خلأهای مقررات دادرسی را به دوش بکشد؟ آیا در صورت روزآمد بودن قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و تطابق آن با نیازها و واقعیت‌های جامعه، چالش‌های مورد بحث اساساً بروز می‌نمودند؟ در مجموع می‌توان ادعا نمود که با وجود قانون آیین دادرسی مدنی به شکل فعلی (از جمله عدم تبیین مفهوم نفع در اقامه دعوی یا همان نفع حقوقی)، چالش‌های مربوط به حق طرح دعوی، چه در زمان حاکمیت قانون ۱۳۸۶ و چه پس از لازم الاجرا شدن قانون ۱۴۰۳ وجود داشته، دارند و خواهند داشت.

۲- در وضعیت فعلی، اگرچه قابلیت اقامه دعوی ابطال گواهی‌نامه‌های ثبت اختراع، مدل مصرفی و طرح صنعتی توسط هر شخص، به نحوی ضامن حق نظارت جامعه بر انحصار اعطایی هستند، اما در هر حال، اشخاص سوء استفاده‌گر می‌توانند با تغییر خواهان، دعاوی منتهی به صدور حکم قطعی را مجدداً اقامه نموده و دارنده گواهی‌نامه ناچار به دفاع چند باره از حقوق خود خواهد بود. نگرانی ناشی از طرح دعاوی متعدد علیه دارندگان گواهی‌نامه و مواجهه دادگستری با سیل دعاوی ابطال، اگرچه در بدو امر ذهن همگان را آشفته می‌سازد، اما با کمی تأمل می‌توان بر این نظر بود که اولاً به دلیل هزینه‌های مادی و معنوی اقامه و پیگیری دعاوی در عمل اشخاص عادی جامعه به طرح این دعاوی اقدام نخواهند کرد و ثانیاً هزینه‌هایی که جامعه برای رسیدگی به این دعاوی می‌پردازد، در بلند مدت کمتر از هزینه‌ای است که جامعه بابت اعطای انحصار بلاجهت به دارندگان اختراعات، طرح‌های صنعتی و مدل‌های مصرفی غیر قابل ثبت خواهد پرداخت. مطالعه آماری مواردی که در حقوق ایران به «هر شخص» امکان اقامه دعوی داده شده (مثل ابطال مصوبات واحدهای دولتی در قانون دیوان عدالت اداری)، در راستی آزمایی چنین ادعایی راهگشا خواهد بود.

۳- در رابطه با اشخاص دارای حق اقامه دعوی نقض، صرف نظر از ابهامات و

خلاف‌های قانون مصوب ۱۴۰۳ و غیر قابل دفاع بودن عملکرد قانون‌گذار (به‌ویژه عدم تصویب مقرره‌ای همسان با ماده ۶۰ قانون ۱۳۸۶)، باید بر این نظر بود که ابهامات مذکور عمدتاً از عدم تبیین مفاهیم «قائم‌مقام» و «نماینده» در مقررات دادرسی مدنی ناشی می‌شوند. گذشته از این، در وضعیت فعلی به نظر می‌رسد باید اولاً علاوه بر مالک و واگذار شونده، بر برخورداری پیش‌فرض لیسانس‌گیرنده انحصاری از «حق» اقامه دعوی نقض قائل بود و ثانیاً در خصوص لیسانس غیر انحصاری، با توجه به اصل آزادی قراردادی، به شرط رعایت تشریفات مورد نظر قانون‌گذار در ماده ۵۸، به اراده طرفین احترام گذاشت.

۴- صرف نظر از لزوم اصلاح و روزآمد نمودن قانون آیین دادرسی مدنی، با عنایت به موارد مذکور در فوق و نظر به این‌که اصلاح قانونی که به تازگی تصویب شده است در وضعیت فعلی دور از ذهن می‌نماید، اما یکی از طرق حل چالش‌های مذکور، تدوین طرح یا لایحه‌ای پیرامون «آیین دادرسی دعاوی مالکیت صنعتی / فکری» به صورت مستقل یا تحت لوای «الحاق موادی به قانون حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۴۰۳» است؛ تبیین مفاهیم «نفع»، «ذی‌نفع»، «قائم‌مقام» و «نماینده» در دعاوی مالکیت صنعتی، اعتبار امر مختوم در این دعاوی و پیش‌بینی ضمانت اجرای مؤثر برای طرح دعاوی واهی از جمله موضوعاتی هستند که می‌توانند در تدوین پیش‌نویس طرح یا لایحه مذکور مورد نظر قرار گیرند.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * احسنی فروز، محمد (۱۳۹۰)، قرارداد انتقال تکنولوژی، تهران: دادگستر.
- * افتخار جهرمی، گودرز و السان، مصطفی (۱۳۹۹)، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران: میزان.
- * آقامحمدی، اکرم و مولودی، محمد و حاجی عزیزی، بیژن (۱۴۰۰)، «آیین دادرسی دعاوی ابطال و لغو گواهی‌نامه ثبت علامت تجاری در حقوق ایران و امریکا»، در: حقوق مالکیت فکری؛ قانون، قضا، قرارداد، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- * بهادری جهرمی، زهرا و شاکری، زهرا (۱۴۰۱)، «ابطال علایم تجاری به جهت عدم استفاده از آن»، نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۱، شماره ۲.
- * جعفرزاده، میرقاسم و کارچانی، مهدی (۱۴۰۲)، «تحلیل جایگاه بهره‌بردار (لیسانس‌گیرنده) به عنوان خواهان دعوی نقض مالکیت صنعتی؛ مطالعه تطبیقی حقوق اتحادیه اروپا، ایالات متحده امریکا و ایران»، حقوق اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۷۸.
- * حبیبیا، سعید و ناظری، امیر (۱۴۰۰)، «شخص صالح جهت طرح دعوی ابطال گواهی‌نامه اختراع»، دانشنامه‌های حقوقی، شماره ۱۳.
- * حبیبیا، سعید و مشکین آذریان، آریا (۱۳۹۹)، «مطالعه تجربی رویه قضایی دادگاه‌ها در حوزه علائم تجاری با تأکید بر تحلیل مدل‌های آماری»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، شماره ۲.
- * دریایی، رضا و نوروزی، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی نظام دستور موقت در حقوق مالکیت صنعتی ایران و موافقتنامه تریپس»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۷۵.
- * رضوی، محمد و رضوی، علی (۱۳۹۹)، «حمایت از زیان‌دیده در برابر تبلیغات تجاری مقایسه‌ای از طریق طرح دعوی رقابت غیر منصفانه»، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۸، شماره ۳۰.
- * رهبری، ابراهیم (۱۳۹۲ الف)، حقوق اسرار تجاری، تهران: سمت.

- * رهبری، ابراهیم (۱۳۹۲ ب)، حقوق انتقال فناوری، تهران: سمت.
- * سیدین، علی و کارچانی، مهدی (۱۴۰۰)، حقوق مالکیت فکری؛ قانون، قضا، قرارداد، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- * سیدین، علی و کارچانی، مهدی (۱۴۰۳)، حقوق مالکیت صنعتی در آیینہ اندیشه‌های قضایی، چاپ سوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- * سیدین، علی و کارچانی، مهدی (۱۴۰۰)، بررسی، نقد و ارائه مواد پیشنهادی اصلاحی پیرامون طرح حمایت از مالکیت صنعتی (گزارش کارشناسی)، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه.
- * سیدین، علی و کارچانی، مهدی (۱۳۹۷)، «ذی نفع در دعوی ابطال طرح صنعتی»، مطالعات آراء قضایی (رای)، شماره ۲۲.
- * شمس، عبدالحمید (۱۳۹۲ الف)، حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی، تهران: سمت.
- * شمس، عبدالحمید (۱۳۹۲ ب)، آیین دادرسی مدنی، جلد نخست، تهران: دراک.
- * صادقی، محمود و جوهری، مهدی (۱۳۹۱)، «ذی نفع در دعوی ناشی از اختراع از نگاه قانون و رویه قضایی»، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۵۹.
- * صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۸)، حق اختراع؛ نگرشی تطبیقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * کارچانی، مهدی و جعفرزاده، میرقاسم (۱۴۰۲)، «ثبت قرارداد لیسانس علامت تجاری؛ ضرورت‌ها، شرایط و آثار»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۹، شماره ۲.
- * کارچانی، مهدی (۱۳۹۷)، «ذی نفع دعوی ابطال گواهی نامه اختراع با نگاه به رویه قضایی (نشست قضایی)»، فصلنامه مطالعات آراء قضایی (رای)، دوره ۵، شماره ۱۶.
- * محسنی، حسن (۱۳۹۸)، «نفع در دادخواهی‌ها: بررسی دکترین حقوقی و رویه قضایی ایران و فرانسه»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۱، شماره ۳۱.
- * میرحسینی، حسن (۱۳۸۷)، حقوق اختراعات، تهران: میزان.
- * ناظری، امیر (۱۴۰۰)، «نمایندگان تجاری به عنوان ذی نفع دعوی ابطال

گواهی نامه علامت تجاری»، مطالعات آراء قضایی (رای)، شماره ۳۵.
ب. انگلیسی

* Aleman, Marco M (2018), **“Patent Transactions. Limited regulation in the multilateral legal framework and diverse legislation and practice at the country level”**, in: Jacques de Werra (ed), *Accords de technologie/Technology Transactions*, Schulthess, Geneva.

* BIRPI (1967), **Model law for Developing Countries on Marks, Trade Names, and Acts of Unfair Competition**, Geneva.

* De Werra, Jacques (2013), **“The Need to Harmonize Intellectual Property Licensing Law: a European Perspective”**, in: Jacques de Werra (ed), *Intellectual Property Licensing Research Handbook*, Edward Elgar Publishing.

* De Werra, Jacques (2018), **Accords de technologie / Technology Transactions**, Geneva: Schulthess.

* De Werra, Jacques (2013), **Intellectual Property Licensing Research Handbook**, Edward Elgar Publishing.

* Greene, Timothy D. (2013) **“All Substantial Rights: Toward Sensible Patent Licensee Standing”**, *Fed Circuit Bar Journal*, vol. 22.

* INTA (2019) **“Model Trademark Law Guidelines: A Report on Consensus Points for Trademark Laws”**, International Trademark Association.

* INTA (2023), **Unfair Competition Quick Guide**, International Trademark Association.

* Knoll, Kelly (2015) **“Confusion Likely: Standing Requirements for Legal Representatives under the Lanham Act”**, *Columbia Law Review*, vol. 115.

* Liddicoat, Johnathon (2017), **“Standing on the Edge—What Type**

of “**Exclusive Licensees**” Should be Able to Initiate Patent Infringement Actions?, *International Review of Intellectual Property and Competition Law*, No. 48.

* Nakayama, Ichiro (2024), “**Who May File Patent Invalidation Trial in Japan**”, in: Thouvenin, Florent, Alexander Peukert, Thomas Jaeger and Christophe Geiger (eds), *Kreation Innovation Markte- Creation Innovation Markets*, Springer.

* The European Parliament and the Council (2016), **DIRECTIVE (EU) 2016/943 on the protection of undisclosed know-how and business information (trade secrets) against their unlawful acquisition**, use and disclosure, *Official Journal of the European Union*.

* Thouvenin, Florent, Alexander Peukert, Thomas Jaeger and Christophe Geiger (2024), *Kreation Innovation Markte- Creation Innovation Markets*, Springer.

* WIPO (1996), **Model Provisions on Protection against Unfair Competition; Articles and Notes**, Geneva.

* WIPO (1999), “**Draft Act on the Protection of Patents, Industrial Design and Marks for the Islamic Republic of Iran**”.